

سید علینقی امین

امام مسجد جامع تهران پارس

افتخار الحکماء طالقانی

مرحوم میرزا اسماعیل ملقب به افتخار الحکماء طالقانی پس از تحصیل علوم ادبیه و ریاضیه و طب و منقول و معقول در سنه ۱۲۸۶ هجری از طالقان به سبزوار آمده و مدت سه سال از محضر درس معقول حاج ملاهادی اسرار استفاده نموده و پس از فوت اسرار دوسال دیگر از محضر آخوند ملا محمد فرزند حاجی اسرار استفاده برده و بعد از او مطب و مدرسی دایر و عموم مردم سبزوار تا سنه ۱۳۴۸ قمری صبح از طب و طلاب عصر از تدریس و تعلیم ایشان بهره ورمیگردیده اند،
انتهی کلامه (۱)

نگارنده مرحوم افتخار الحکماء را در زمان کودکی که به دستان می رفتن دیده بودم . اگر چه کتاب شرح زندگانی اسرار سنه فوت او را بر ۱۳۴۴ قمری نوشته اند ولی از اشعاری که برای ماده تاریخ ارتحال او در دست است ۱۳۴۵ دانسته میشود .

چون که از دار فنا کرد رحیل
بهر تاریخ وفاتش گفتم «ای دو صد حیف از این شخص جلیل»
افتخار الحکماء ، اسماعیل

۱۳۴۵ ه . ق

صاحب ترجمه در شعبان ۱۳۱۰ هجری قمری از جانب ناصرالدین شاه قاجار به لقب « افتخار الحکماء » ملقب گردید و تا چند سال قبل که من هنوز در سبزوار سکونت داشتم فرمان شاه قاجار بر سر مزار افتخار موجود بود . کوچه افتخار در سبزوار واقع در خیابان بیهق رو بروی مسجد پاسنار بنام او معروف است و منزل و مطب و مدرس او در همان کوچه واقع و سابق مشتمل بر پیرونی و اندرونی بود اخیراً همان منزل را بنا بروصیت او و عیالش که فرزندی نداشتند بر عزا داری امام سوم شیعیان «ولانا و مولی الکوئین امام حسین علیه السلام وقف نمودند .

(۱) آقای حاج شیخ ولی الله اسراری : شرح زندگانی اسرار ، چاپ

سبزوار .

افتخارالحکماء گاهی طبع شعر خویش نیز می آزمود . از جمله آثار شعری اورثائی است که در سال ۱۳۱۳ هجری قمری در مرگ ناصرالدین شاه قاجار سروده است .

شاهنشاه دین پناه خاقان سعید

شه ناصر دین ظل خداوند مجید

آن شاه که در سلطنت پنجاه سال

جز رأفت و معدلت کس از وی نشنید

با بخت جوان به حکم تقدیر ، چو عمر

سال هفتم ز عشر میشوم رسید

در سخن مزار حضرت عبدالعظیم

جائی که مبراست زهر زشت و پلید

در جمعه و هفده ز ذی قعد حرام

روزی که خدای خواندش یوم العید

در سیصد و سیزده پس از سال هزار

با تیر جفای ظالمی گشت شهید

الحق چشم عموم اهل ایران

در واقعه مصیبتش خون گریید

تا غرقه رحمت است آن شاه کهن

منصور و مظفر بود این شاه جدید

مرحوم افتخارالحکماء از شاگردان طراز اول مرحوم حاج ملاهادی

حکیم سبزواری (۱۲۸۹-۱۲۱۲ ه . ق) بشماراست و خود او نیز از شاگردان

فاضل و عالم خاصه در فن حکمت تربیت فرمود از آن جمله بنام دوتن از شاگردان

او ذیلا اشاره می شود :

۱ - مرحوم حاج سعید عبدالله برهان فرزند میرزا حسن بن میرزا عبدالرحیم ،

متولد ۱۳۰۵ هجری قمری . که علاوه بر مراتب علمی و تبحر در فقه و اصول و

حکمت و حدیث و تفسیر ، از اساتید سخن و درو عظم و بیان خطابه کم نظیر بود و در

سرودن اشعار ذوقی سرشار داشت . خود و پدر و جدش از ائمه جماعت در مسجد پاپا -

منار سبزواری که از قدیمی ترین بناهای اسلامی است امامت داشته اند . برهان بعد

از مرگ مرحوم حاج میرزا علی رضا آفتهی امامت مسجد مزبور را بر عهده

گرفت و هر شب بعد از نماز جماعت ، منبر میرفت ضمن همین مناظر بود که گاهی

از قدماء از علماء و بزرگان از هر طبقه یاد میکرد از جمله چندین بار گفت که

سبب ادامه تحصیل او مرحوم امین الشریعه (والد نگارنده) بوده زیرا مقدمات

و ادبیات را نزد آن مرحوم خوانده بود و نیز بارها مطالبی را به عنوان یادگاری

از مرحوم جدم میر سعید محمد حسینی معروف به آقای عراقی نقل کرد و پس از

مرگ مرحوم والد بسیار بمن الفت داشت تا آن که عصر روز جمعه بیستم شعبان ۱۳۸۴ هجری قمری برابر چهارم دیماه ۱۳۴۳ خورشیدی بدرود حیات گفت و در مقبره مرحوم حاج محمدتقی اسکوئی که از بازرگانان سبزوار بوده است مدفون گردید .

۲ - مرحوم میرزا آقا فاضل هاشمی، که در این اواخر از اساتید بزرگ سبزوار بود و ذوقی سرشار داشت و نویسنده از درس معقول و ی بسیار استفاده کردم ققه و اصول و فلسفه و معقول را از محاضر مرحومین حاج میرزا حسین علوی مجتهد و افتخارالحکماء و سایر علماء بزرگ فرا گرفت . ولادتش بنا به نقل خودش برای نگارنده در لیله ۲۱ رمضان ۱۳۰۷ ه . ق اتفاق افتاد و می گفت در مرگ شریعتمدار هشت ساله بوده است (شریعتمدار در ۱۳۱۵ ه . ق از دنیا در گذشت شرح حالش را در ماهنامه وحید شماره ۱۱ - بهمن ۱۳۵۳ نوشته ام) .

ضیاء الحق حکیمی مختص به ضیائی را با او وعده و میثاقی بوده چنین سروده است :

ای فاضل یگانه و ای هاشمی نسب

ای آن که دوستیت نباید بکار ما

بخت بدم نگر که تودر خانه نیستی

روزی اگر بکوی تو افتد گذار ما

یا وعده می دهی و نمی آئی ای رفیق

دانی که بدتر است ز مرگ انتظار ما؟

صد بار وعده کردی و بکره نیامدی

ای وعدهات خرابتر از کار و بار ما

پیری نه وقت مهر که گیری است ای حکیم

افسرده گشته است دگر کفچه مار ما

بگذشته وقت ناز شما و نیاز من

ریش سفید کرده سبه روزگار ما

ما نیز این قدر چو تو بی قدر نیستیم

اینقدرها کناره مکن از کنار ما

یار آن بود که بار تحمل کند زیار

تا چند می گریزی از زیر بار ما

به آن که حال همچو جوانی کنی وفا

بر وعده های دوستی ای دوستدار ما

نازار کند حکیم، حکیمانۀ مقتضی است

نبود خلاف عهد مودت شمار ما

اینقدر از تو ناز و حکیمی، نمی‌خرید
 قحط الرجال اگر نبندی سبزواری ما
 نبی نبی زمن مرنج که اینها مطایبه است
 باشد باهل فضل و ادب افتخار ما
 آری برند گوهر خود را به گوهری
 نزد محک رود زر کامل عیار ما
 ناز شما همیشه به جان می‌خرد « ضیا »

باشید اگر ز مهر و وفا خواستار ما
 مرحوم فاضل هاشمی که از دوستان و هم‌دیفان صمیمی مرحوم والد‌مسید
 حسن امین‌الشریعه بود در عین مراتب عالیه فضل و کمال، کم‌صحبت بود و می-
 بایست با زحمت و پرسش او را وادار به صحبت کنند. ضیائی مزبور در این باب
 اشعار دیگری سروده که بمناسبت يك شعر آن در اینجا درج می‌شود.
 فاضل که به علم و هنر و فلسفه طاق است

طاق است ولیکن چه کتاب لب طاق است
 فاضل استاد در روز تاسوعا (نهم محرم) ۱۳۸۳ هـ . ق از دنیا درگذشت
 و در یکی از هجرات امامزاده شعیب بن موسی بن جعفر ع دفن شد . آن مرحوم به
 آواز خوش و موسیقی اظهار علاقه میکرد . در دائرة المعارف (ص ۸۸ و ۸۹)
 است که کتابی بنام الادعیه والزیارات از محمد بن محمد رضابن یحیی اعرجی
 قدیم‌ترین نسخه خطی ۱۱۶۲ در کتابخانه فاضل هاشمی در سبزواری است .
 کمالی سبزواری ، اعظ فرزند ارشد مرحوم فاضل است .

پایان

